

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۲ جولای ۲۰۱۷

## مکتی کوتاه بر تحرکات جدید در افغانستان

۳

### ۳- توفتنامه جدید امنیتی بین اداره مستعمراتی و پاکستان:

خلاف جلسات گذشته که صرف برای تدوین اصول و ضوابط حاکم بر جلسات، قبل از بحث روی تدوین اجندای مورد مذاکره هفته ها و ماه وقت لازم بود، اعلامیه مشترک دو طرف نشان داد که این بار چنان نبوده، برای رسیدن به یک توافقنامه خابنانه جدید آنها نیاز زیادی به زمان نداشتند، تو گوئی همه چیز از قبل آماده و اشتراک جانین صرف حیثیت شکلی داشته است و بس.

در این مختصر قبل از آن که توجه خوانندگان را صرف به یک بند آن معطوف بدارم نخست می بینیم که زمان انعقاد این موافقتنامه چه اهمیتی برای طرفین داشته است.

\*- در بخش های قبلی از نظر گذرانیدیم که پاکستان از طرف متحدین دیروزی آن یعنی امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء به نسبت بازی ریاکارانه و خارج از مجوز رسمی بادران سخت زیر فشار قرار گرفته و کمترین آسیبی که می تواند متوجه آن کشور از همان بابت شود، به احتمال اغلب کاهش در سطح کمکهای مالی خواهد بود. این را هم می دانیم که درک همین معضل و چه بسا عواقب سختگیرانه تر آن باعث گردید، تا چین به حمایت از پاکستان داخل عمل شده، سکان مذاکرات را خود به دست بگیرد. در نتیجه برای پاکستان در مقطع کنونی رسیدن به یک توافقنامه که بتواند آن کشور را از آماج حملات خبری یکی دو مرتبه به عقب براند، با ارزشتر از همه چیز به شمار رفته، امضای آن برایش حکم نوشدارو را داشت.

\*- اداره مستعمراتی کابل و در رأس آن دلکک استعمار "غنی" و متحدش در تمام جنایتکاری ها و وطنفروشی ها، "عبدالله" به دنبال انحصار طلبی ها و زورگوئی های دلکک حقیر، که می خواهد بدان وسیله استخوان شکنی و نفرت پراگنی بین اقوام، زبانها و مذاهب افغانستان را بسیار آگاهانه و مطابق با نقشه های امپریالیزم جنایتگستر امریکا به طرف انتاگونیزم سوق دهد، به نسبت شتابی که به خرج دادند، حریفان را متوجه ساخته، ناخود آگاه و ناخواسته باعث گردیدند تا مخالفان موقعیت حساس و عمق پلانهای استعماری دلکک استعمار و شرکاء را درک نموده، به فکر نجات جان شان برآیند.

در عین زمان موج تظاهرات و انزجار مردم از کلیت اداره مستعمراتی و کشته شدن تتی چند از مظاهره چبان، هرچند با به غارت رفتن آن حرکت از طرف جمعیت و شورای نظار از محتوا تهی گردیده و به ابزاری جهت معامله مبدل شد، فضائی را برای اداره مستعمراتی به وجود آورد که می بایست به هر شکلی شده چیزی را به نام دستاورد ثبت نماید. وضعیت خراب نظامی در سراسر کشور اعم از شمال و جنوب به خصوص در ولایات هلمند و قندوز که سقوط آنها دیگر کسی را غافلگیر نخواهد کرد، توأم با اوضاع اقتصادی خراب در تمام کشور، باز هم باعث می گردد تا اداره مستعمراتی چیزی برای خوراک تبلیغاتی رسانه های نوکر و وابسته به استعمار فراهم نماید این ضرورت زمانی اولویت یافت که نماینده ملل متحد در کنفرانس رسمی آن نهاد، انگشت بر ضعف ها و ناتوانی اداره مستعمراتی به خصوص شخص دلک استعمار "غنی" و باندش گذاشته، به نحوی خلاف نظر سفارت امریکا که تمام قد در حمایت از "غنی" دهن باز کرده اعلامیه صادر نموده بودند، تلویحاً شخص "غنی" را مسؤول حوادث اخیر معرفی نمود.

با در نظرداشت چنین فضائی برای "غنی" و باندش و تمام اداره مستعمراتی کنونی به نام حکومت "وحدت ملی"، دست یافتن به یک پیروزی و دستاورد البته به زعم خودشان پیروزی، بالاتر از همه چیز ارزش یافته، همین بود که به محض اشاره مقامات چینی و مسافرت وزیر خارجه آن کشور، این حرکت را به مثابه "کمکی از غیب" تلقی نموده، با سرعت تمام به طرف عقد توافقنامه جدید و امضای آن حرکت نمود. توافقنامه ای که به جز تسجیل معاهده ننگین دیورند، هیچ معنای دیگری ندارد.

\* با تأسف به ارتباط متن تمام توافقنامه نمی توانم چیزی بنویسم زیرا نه تنها حین عقد آن حدود ۱۰ روز قبل و بعد از مسافرت وزیر خارجه چین، از طرف اداره مستعمراتی متن مورد نظر منتشر نگردید، بلکه استخوانبندی اصلی توافقنامه را که طرفین را ملزم به همکاری نظامی در "نوار مرزی" دو کشور می گردانید، نیز قبل از انتشار و مورد بحث قرار گرفتن، از انظار مخفی نمودند، تا نکند خیانت آشکار آنها به میهن و صحه گذاشتن شان بر معاهده ننگین دیورند از پرده بیرون افتد. در نتیجه توجه شما را عجلتاً تا دستیابی به تمام توافقنامه به ترکیب "نوارمرزی" که در آن توافقنامه ذکر شده است، جلب می نمایم:

۱- کاربرد ترکیب "نوار مرزی" بین دو کشور بدان معناست، که کشور های مورد نظر "مرز" های سیاسی یک دیگر را به رسمیت می شناسند. استفاده این کلمه در یک مقابله سیاسی بین افغانستان و پاکستان بدان معناست که برای افغانستان دیگر مسأله ای به نام امتناع از پذیرش خط دیورند وجود نداشته، بلکه مرزهای پاکستان درست و دقیق از مرز افغانستان به بعد آغاز می یابد.

این قلم بارها نگاشته ام که تأنید خط استعماری دیورند نه از صلاحیت اداره مستعمراتی کابل است و نه هم از صلاحیت دولت نظامی پاکستان. بلکه کسانی که در زمینه حق دارند تا تصمیم بگیرند، آن عده از مردمانیست که این خط فرضی به مانند یک شمشیر پیکر واحد آنها را به دو نصف نموده است.

این را هم نگاشته ام مادامی که در کشور ما افغانستان یک اداره دست نشانده و مزدور اجنبی در قدرت است و مادامی که نیروهای اشغالگر جوی خون در دو طرف خط فرضی دیورند جاری ساخته است و مادامی که دولت نظامی پاکستان با توپ و تانک بر مردم آنطرف خط فرضی، طوفانی از آتش و گلوله را به وجود آورده است، هیچ کسی در تحت هیچ عنوانی حق ندارد با به رسمیت شناختن آن خط، حق انکار ناپذیر مردم آن طرف خط را از حق تعیین سرنوشت شان نادیده گرفته، با پذیرش آن معاهده، خنجری را در قلب افغانستان فرو برد.

تذکر "نوار مرزی" بین دو کشور در واقع همان خنجر نیست که از طرف اداره مستعمراتی کابل به سردمداری میهن فروش بی آرم "غنی" و باندش بر قلب کشور و مردم ما فرو می رود. به همین علت هم، آنها گذشته از آن که تمام متن توافقنامه را منتشر نساختند، تبصره بالای همان یک کلمه را نیز در رسانه های مزدور و وابسته ممنوع قرار دادند. در اینجا تنها پای آن عده از رسانه هائی که از طرف اشغالگران معاش می گیرند در میان نیست، بلکه تمام آن سابتیهائی که در شرایط عادی دم از مبارزه علیه معاهده ننگین دیورند می زنند و یکی خود را در عقب نام "آریانا" و آن دیگری "افغان" و ... پنهان نموده اند و همه ادعای غیر وابستگی و استقلال را دارند، آنها نیز همه خفقان گرفته، حتا یک کلمه در مورد ابراز نمی نمایند. تا نکند مشت باداران و همقطاران خاین شان باز شود.

۲ - عملکرد اداره مستعمراتی کابل تنها به خیانت سیاسی محدود نشده، بلکه از لحاظ نظامی نیز در حدیست که انسان را به یاد ضرب المثل معروف کابل "از دست دادن هم کون و هم کرک" می اندازد. اداره مستعمراتی کابل وقتی رسماً اعلام می دارد که دشمنان یک دیگر را در "نوار مرزی" بین دو کشور، شناسائی، مورد تعقیب و سرکوب نمایند، در اساس می پذیرد که اولاً این دولت پاکستان نیست که از درون خاکش علیه افغانستان دست به اقدامات جنایتکارانه و تروریستی می زند، بلکه این باشندگان "نوار مرز" یعنی پشتونها هستند، که دست به جنایت زده، امنیت این کشور را با اقدامات خرابکارانه و تروریستی شان به هم می زنند.

در ثانی با وجودی که بن لادن در داخل خاک پاکستان خارج از مناسبات "اجنسی" ها کشته شد، با وجودی که مرگ ملا "عمر" از کراچی شنیده شد، با وجودی که شورای کویته، عملاً از کویته اظهار وجود می نماید، با وجودی که ملا "اختر منصور" در خارج از ایالت صوبه سرحد و مناطق پشتون نشین کشته شد، با وجودی که هم اکنون تمام رهبری طالب با خاطر آسوده در ایالت های پنجاب، سند و قلب پاکستان زندگانی می نمایند، اداره مستعمراتی کابل با پذیرش "نوار مرزی"، ردیلانه بر ادعای دولت پاکستان که گویا آن کشور از داخل خاکش علیه افغانستان اقدامی نمی نماید، صحه می گذارد.

و این همان چیزیست که پاکستان بدان نیاز داشت تا به جهانیان بگوید: "بلی شما دیدید که دولت افغانستان خود قبول دارد که معضل در مناطقی است که نمی خواهند حاکمیت کامل اسلام آباد را بپذیرند"

با در نظر داشت نکاتی که به صورت مختصر در این چند قسمت ارائه گردید، با جرأت گفته می توانیم که در تمام این داد و ستد سیاسی که به میانجی گری چین صورت گرفت، هرکس آنچیزی را که می خواست به همان هدف رسید، به غیر از افغانستان که به جای رسیدن به کدام هدفی، گذشته از این که اداره مستعمراتی حاکم بر آن، بر معاهده ننگین دیورند صحه گذاشت، ادعا های چندین ساله پاکستان را که گویا دولت آن کشور در امور افغانستان دخالت ننموده، این فقط پشتونهای اطراف دیورند هستند، که برای هر دو طرف مشکلات خلق می نمایند، با عقد توافقنامه رسماً پذیرفت. در نتیجه اگر امپریالیزم می خواهد تا در منطقه آرامش داشته باشد، می باید به قلع و قمع این قوم شدید تر ادامه دهد، نظری که تعداد از جیره خواران خوان "مسعود-ربانی" سالها قبل آن را نشخوار نموده اند.

این تنها تحفه ایست که شوونیزم و فاشیست های قومگرا برای بقایشان در قدرت، به مردم افغانستان داده اند. این درست همان راهیست که پیشینیان میهن فروش شان از امیر عبدالرحمان گرفته، تا خاندان طلالی و از تره کی گرفته تا طالب، پیموده است. راه بقای خودشان در ازای پذیرفتن مرزهای استعماری، راه بقای خودشان در ازای مستعمره ساختن کشور، راه بقای خودشان در ازای به خاک و خون کشانیدن مردم افغانستان.

ادامه دارد